



شعرهاوتون فرزندانتون باشند؟ برای فرزندانم بسته به روحیه هر کدامشان بیشتر در قالب ترانه‌های شاد و خنده‌دار شعر می‌گویم.

به نظر شما شعر گفتن قابل یاد گرفتن است یا ذاتی‌ست؟ شعر مثل هر هنر دیگری در درجه اول یک جوشش درونی و یک نوع استعداد ذاتی بشمار می‌آید. ولی با شعور و فکر آگاهانه و مطالعه می‌توان پرورشش داد. شخصا شعر را قابل آموزش نمی‌دانم.

چقدر شعرهای خودتان را زنانه می‌دانید؟ تا چه اندازه ویژگی خانمانه در شعرهای شما برجستگی دارد؟

شعر خودم را چندان زنانه نمی‌دانم و تعبیر جنسیتی را در شعر نمی‌پسندم. وقتی شعر می‌گویم بیشتر به احساسات انسانی فکر می‌کنم تا فقط زن بودن. اگر حس زنانه‌گی هم اعمال شده شاید ناخودآگاه بوده ولی کلی نیست.

چقدر جامعه رو نیازمند شعر و ادبیات می‌دانید؟

بسیار زیاد. روح جامعه برای تعالی خودش به شعر و ادبیات نیاز دارد. بانو «ایران درودی» نقاش بزرگی که به تازگی از دنیا رفتن در کتاب «در فاصله دو نقطه» مینویسند که: «انسانهایی که سپاس خوشبختی را دارند شاعرانی هستند که با واژه‌های لحظات هستی شعر می‌گویند.» زندگی علی‌رغم ناملایماتش در چشم شاعر همیشه زیباست و شعری نهفته دارد که می‌شود از آن لذت برد و یا در مواقع غم ازش تسکین گرفت. هر انسانی که تسلیم سختی زندگی نمی‌شود در واقع شاعریست که عمق و معنای زندگی را درک کرده و می‌داند که نمایشنامه زندگی برای رشد روح ما نوشته شده است. شعر زندگی را بخوانیم و با روحی قوی و شاعر رشد کنیم و به تعالی برسیم.

از مضمون شعرهایت بگو؟ مضمون اشعار من بیشتر حس‌های جاری در وجودم است که منشأ عشق، عرفان، نوستالژی و دردهای جامعه‌اس که بطور محسوس و یا غیر محسوس در شعرم منعکس می‌شود. وقتی که غم و به خصوص غم‌های اجتماعی بسیار به سراغم می‌آید باعث سرودن شعرم می‌شود. به قول فروغ فرخزاد غم زیباست، چون جوشش شعر رو سبب می‌شود.

چرا شعر گفتن مهم است؟ اول اینکه شعر یکی از شاخص‌های مهم فرهنگ یک سرزمین محسوب می‌شود. ایران ما با داشتن شعرای بزرگی مثل مولانا، فردوسی، حافظ و سعدی در قله شعر جهان ایستاده است. خب حالا ما به عنوان وارثان فرهنگ این سرزمین باید این چراغ را مطابق با روزگار خودمان روشن نگهداریم و شعر و شاعری را پاس بداریم. نکته دیگه اینکه شعر به عنوان بخشی از پیکره هنر، روح جامعه را تشکیل می‌دهد. شعر زیبا می‌تواند به ترانه و آوازی زیبا تبدیل بشود و روح خسته جامعه را ترمیم کند.

در نخستین کتاب منتشر خود چه شعرها و چه نقاشی‌هایی انتخاب کرده‌ای؟

انتشار کتاب شعر شبیه پائیز تجربه خوب و جالبی بود. به خصوص اینکه اولین کتاب شعرم با نقاشی‌های آقای هاشم بدری شاعر رنگها همراه شده و خودم هم آنچه در توشه استعداد فراموش شده نقاشی‌ام وجود داشت اینجا پیاده کردم که فکر نمی‌کنم در کتابهای شعر بعدی تکرار بشود.

از کارهایی بعدی خودت بگو. مثل کارهایی که در دست آماده‌سازی و یا انتشار داری بگو. قصد دارم کتاب شعر دیگه ای منتشر کنم با اشعاری که محصول روحیه و تحول فکری سالهای اخیر من‌امیدوارم این اشعار قویتر و روبه جلوتر از کتاب اول به نظر خواننده بیان. این خواست قلبی هر نویسنده و شاعریه که آثارش پیشرفت فکری اون رو نشون بدن. مادر بودن به نظرم خودش به اندازه کافی شاعرانه هست و اینکه مادری شاعر باشی حس دیگری است. شده مخاطب

مصاحبه با دکتر آریتا صادقی؛ دندانی‌شک و شاعر مجموعه شبیه پائیز؛

زبان فارسی شاعرانه‌ترین زبان است



تحولی در کتاب خواندن ایجاد کرده است. البته در کنار کتاب خواندن، مطالعه روزنامه و مجلات هم بسیار مهم است. یک‌مجله به تنهایی می‌تواند اطلاعات فشرده‌ای را به شما بدهد. مثل برخی مجلات که از کتاب‌های مختلف جمع‌آوری شده و ممکن است آن منابع در دسترس شما نباشند.

شعرهایی که می‌سرای نو هستند یا کلاسیک؟

اوایل به خاطر علاقه به حافظ، شعر کلاسیک و غزل می‌گفتم. ولی بعدها به شعر نو علاقمند شدم. بسیاری از نویسندگان و شاعران می‌گویند ما تحت تأثیر شعر فلان آدم یا تحت تأثیر سبک نوشتن فلان آدم هستیم. این فقط از نظر فن نیست، یعنی جان آدم‌ها هم زیر سایه آدم‌های قبلی شکل می‌گیرد. آثار چه شاعرانی را بیشتر مطالعه می‌کنید و در سرودن تحت تأثیر کدام شاعر هستید؟

در شعر کلاسیک حافظ و نظامی گنجوی را دوست دارم. در شعر نو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و قیصر امین‌پور شاعران مورد علاقه‌ام هستند و فکر می‌کنم تحت تأثیر فضای فکری این شاعران بزرگ هستم.

حک شده است. از جمله پزشکیان هستی که مطالعه آزاد فراوانی داری و این برای بسیاری که شما را می‌شناسند جالب است. از سطح مطالعات بگو؟

من در دنیای کتاب‌ها زندگی می‌کنم. آنقدر کتاب خواندم که احساس می‌کنم با روح کتاب‌ها یکی شدم. هر واقعه خوب یا بدی را در زندگی‌ام با مشابه اون توی کتاب‌ها مقایسه می‌کنم و احساس می‌کنم این موضوع قدرت مقابله با وقایع زندگی‌ام را افزایش داده چون انگار بارها زندگی‌های مختلف رو تجربه کردم. کتاب خواندن عشق بزرگ زندگی من محسوب می‌شود. گاهی هم‌زمان مشغول خواندن دو یا سه کتاب و یا بیشتر هستم. کنکاش در کتاب‌های تاریخی و ربط دادن وقایع به هم برایم جالب است. الان هم که نسبت به قبل امکانات کتابخوانی فراهم شده میل به خواندن بیشتر همچنان وجود دارد. رمان‌های قطور را اگه امکانش باشه به صورت صوتی گوش می‌دهم و جالبه که پسر ۷ ساله‌ام که هنوز نمی‌تواند خوب بخواند به گوش کردن کتاب صوتی کودکان علاقمند شده است. کتاب صوتی واقعا

بدهم. اما در کتاب شبیه پائیز، تصمیم گرفتیم چندتا از اشعار خودم را نقاشی کنم.

دیگه چه هنرهایی را تجربه کردی؟

نوشتن دغدغه همیشه من بوده و نویسنده شدن رویای همیشگی‌ام. اینکه بتونی با نوشتن افکار عده‌ای را از هرز رفتن نجات بدهی و آنها را هم به جاده تفکر و خواندن هدایت کنی هیجان انگیز است. رابطه‌ی هنر و زندگی، رابطه‌ی تأثیر و تأثر است. هنر از زندگی متولد می‌شود و بر زندگی هم تأثیر می‌گذارد. نمی‌شود منکر این رابطه شد.

مدتی است که افتخار داریم که در خوزی‌ها شاهد انتشار ستون‌های شما در نتیجه دغدغه‌هایی که دارید باشیم. **نوشتن چقدر موجب شده تا به پیرامون دقیق‌تر نگاه کنید؟**

خدا را شکر می‌کنم که در رونامه خوزی‌ها قسمتی از این آرزو برآورده شده است. نوشتن باعث می‌شود آدم بسیار دقیق‌تر به مسائل و رویدادهای اطرافش نگاه کند و به تبع آن کمیت و کیفیت و نظم مطالعه رو بهبود می‌بخشد. استاد ادبیاتی داشتیم که می‌گفتند: «نوشتن فخر آدمی است» و این جمله همیشه در یاد من

استخدام شرکت نفت درآمد ساکن اهواز شد. در شهریور ۱۳۸۳ برای اولین بار وارد اهواز شد و علی‌رغم اینکه فکر می‌کرد خیلی زود به تهران برمی‌گردد و به حرف بیماران که می‌گفتند خاک خوزستان پاکبیرت می‌کند می‌خندید اما الان هیجده سال است که ساکن شهر اهواز با مردم خوب و خونگرم و بی‌نظیرش شده است.

او در قامت یک شهروند ساکن اهواز دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد و عشق و علاقه بی‌کران او به خوزستان و به خصوص شهر اهواز غیرقابل وصف است.

از چه زمانی شعر به سراغتان آمد؟

شعر از کودکی با من همراه بود. ده ساله بودم که معلم پرورش‌ی‌مان نثری که نوشته بودم را در تمام کلاس‌ها خوانده بود و من خیلی از این تشویق‌شان مسرور شدم. در نوجوانی دفتر شعری داشتم که پر از غزل‌های عرفانی و مذهبی بود. خب آن موقع غزل سرودن به سبک حافظ را دوست داشتم. از نظر من زبان فارسی شاعرانه‌ترین زبان جهان است. شاهد این حرفم مثنوی مولاناست که شهرت جهانی دارد و به زبان زیبایی فارسی سروده شده است. شعر در روح و جان ما ایرانی‌ها ریشه دارد و ما بسیار بیشتر از این تعداد است. و چه بسیار شاعرانی که فقط برای دل خودشان اثرش را در بوته نقد گذاشته تا نقاط ضعف و قوت شعر خود را بشناسند، نقاط ضعف را برطرف و روی نقاط قوت خود کار کند و از سطحی‌نگری فاصله بگیرد.

آریتا صادقی متولد آبان ماه ۱۳۵۶ در تهران که در سال ۱۳۸۱ در رشته دندانی‌شکی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران فارغ التحصیل شد. او دو سال طرح پزشکی رو در شهر کبودرآهنگ همدان گذراند و بعد از آن چون همسرش به



رشد کردن با خوانش شعر زندگی، تعالی با روح قوی شاعر زندگی در دنیای کتاب‌ها نوشتن فخر آدمی است

*** سر آغاز - مجتبی گهستونی**

آنچه که باعث شد پس از انتشار مجموعه شعر «شبیه پائیز» با دکتر آریتا صادقی مصاحبه کنم وجود بن مایه‌های شاعرانگی در وجود این بانو است. کوشش برای بهره‌مندی از عناصر شعری مانند خیال و توصیف موجب شده تا رگه‌هایی از تازگی و طراوت در شعرهای مجموعه شبیه پائیز پدیدار شود. او می‌کوشد تا روایت شاعرانه که روایتی صادقانه از زمانه‌ی خود است را با زبان شعر بیان کند. روایتی که به‌جز مفهوم و مضمون، می‌توان از هماهنگی و تناسب آن نیز لذت ببریم.

سراینده مجموعه شعر شبیه پائیز القا می‌کند که شاعری جوان اما دارای ذوق هنری بوده و مستعد سرودن شعرهای خوب دیگر هم است که می‌تواند آینده شعری خوبی را برای صاحب این اثر رقم بزند. آریتا صادقی شاعر دغدغه‌مندی است که مطالعه عمیق ادبی دارد که با انتشار نخستین مجموعه شعر خود، آگاهانه اثرش را در بوته نقد گذاشته تا نقاط ضعف و قوت شعر خود را بشناسند، نقاط ضعف را برطرف و روی نقاط قوت خود کار کند و از سطحی‌نگری فاصله بگیرد.

آریتا صادقی متولد آبان ماه ۱۳۵۶ در تهران که در سال ۱۳۸۱ در رشته دندانی‌شکی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران فارغ التحصیل شد. او دو سال طرح پزشکی رو در شهر کبودرآهنگ همدان گذراند و بعد از آن چون همسرش به

به مناسبت روز جهانی صنایع دستی مطرح شد؛

راهکارهایی برای بازگشت صنایع دستی به سبد خرید خانواده ایرانی

این موضوع کم کم گسترش پیدا می‌کند تا اینکه می‌بینید کمتر از پارچه‌های دست دوزی استفاده شده، یا فرش ماشینی جایگاهی مهمتری از فرش دست باف پیدا می‌کند. **هزینه تولید، فروش و تأمین مواد اولیه با زمانی که هنرمند صرف آن می‌کند همگام با شتاب تورم در ایران نیست**

در هر حال معیشت با صنایع دستی گره خورده است. ایرانیان هنردوست همیشه دوست داشته‌اند، بهترین‌ها را در اختیار داشته باشند. آنها بهترین وسایل را آمیخته با هنر می‌دانسته‌اند. هر اندازه هنر به کار رفته در شیء بیشتر بوده، ارزشمندتر نیز بوده و هست. اما حالا در هم تنیدگی و ارتباط

تصوری را ایجاد کند که در آینده‌ای نه چندان دور، با وضعیت معیشتی مردم، صنایع دستی دیگر در زندگی مردم جایی نخواهد داشت.

راهکارهایی برای بازگشت صنایع دستی به سبد معیشت خانوار ایرانی

البته این نظر مورد نقد برخی دیگر از فعالان صنایع دستی نیز هست آنها معتقدند وقتی مثلا از هنر میناکاری در صنایع دستی غیر کاربردی استفاده می‌شود، مردمی که وضعیت معیشتی مناسبی ندارند، به سراغ آن نمی‌روند و یا هنر سوزن دوزی وقتی روی پارچهای قرار می‌گیرد آن را گرانبها می‌کند، سعی می‌کنند از پارچهای بدون هنر دست بهره ببرند.

این روزها تامین مواد اولیه گران و تورم پرشتاب موجب شده تا سبد خانواده از صنایع دستی تهی شود، با این حال راهکارهایی برای جذب دوباره آن مانند خلاقیت در تولید و توجه ملی به آن وجود دارد.

صنایع دستی بخشی از زندگی ایرانی هاست. از فرش زیر پایشان گرفته تا خانه‌هایی که می‌سازند، لباس و پارچه‌هایی که می‌پوشند. برخی از فعالان صنایع دستی از جمله تولیدکنندگان که معتقدند صنایع دستی از زندگی مردم برچیده خواهد شد، نگاهشان به چند رشته محدود هنری از میان ۲۹۹ رشته صنایع دستی شناخته شده است. نگاه لوکس به هنر دست می‌تواند چنین



خانواده هستیم. دلیل این موضوع تورم، کاهش قدرت خرید مردم و رکود بازار بوده و دلیل دیگر را نیز می‌توان کاهش ورود گردشگر خارجی به کشور دانست و از طرف دیگر صادرات به کمترین میزان خود رسیده و تحریم‌ها باعث شده تا بازار اروپا را از دست دهیم و تنها به چند کشور همسایه و محدود بتوانیم کالا بفروشیم.

است و باید تلاش شود صنایع دستی به‌عنوان هنر دست و پیونددهنده نسل‌ها و جلوگیری از گسست بین نسلی در خانه سهم پیدا کند. **حذف خرید صنایع دستی از سبد خانواده** سید محمد عبداللهی رئیس اتحادیه فروشنندگان اشیای قدیمی و صنایع دستی تهران نیز گفته است: شاهد حذف خرید صنایع دستی از سبد

هنر با معیشت بسیار زیاد شده است. مواد اولیه برای تهیه صنایع دستی گران است. تولید آن هزینه بر است. هزینه تولید، فروش و تأمین مواد اولیه با زمانی که هنرمند صرف آن می‌کند همگام با شتاب تورم در ایران نیست. تورم بالا می‌رود و هنرمند ماه‌ها یک هنر را تولید می‌کند ولی نمی‌تواند آن صنعت دستی را به قیمتی معادل چند ماه پیش بفروشد! از طرفی زمانی که حقوق و دریافتی مردم برای گذران زندگی کم می‌شود، توان خرید وسایل آمیخته با هنر نیز در اولویت قرار نمی‌گیرد بلکه اولویت با خوراک و پوشاک و هزینه‌های ضروری زندگی است. به همین دلیل است که محمد فرخزاده، معاون گردشگری و امور زیارتی استانداری فارس گفته امروز آن قدری که برای خوراکی و فست‌فودها هزینه می‌شود، برای صنایع دستی هزینه نمی‌شود، این نشان می‌دهد که عمق این کار کم